

Received: 2023/3/25

Accepted: 2023/10/30

from 127 to 147

Seyyed Mohammad

Mehdi Ghasemi Tabar

Assistant Professor, Department
of Islamic Studies, Farhangian
University, Tehran, Iran.

(corresponding author)
gangine2110@yahoo.com

Mehdi Rezaei

Assistant Professor, Department of
Educational Sciences, Farhangian
University, Tehran, Iran.

mh.rezaei@cfu.ac.ir

Factors Contributing to Sustainability of Social Order with Quranic Management and Education Approach

Abstract

The purpose of the current research is to explain the factors that play a role in stabilizing the social order with the approach of management and Quranic education. The main question is, based on Quranic management and education, what factors can play a role in creating and sustaining social order? In this research, the researcher deals with library studies according to the qualitative approach and the descriptive-analytical and inferential research method and by considering the Qur'an verses, interpretations and education resources, he infers the role-playing components in this field and analyzes how the role-playing The relevant factors deal with the stabilization of social order. The research findings show that scientists of the western world mainly emphasize the survival of social order and relate it to the continuity of interactional norms and patterns. Despite their attention to the generality of stabilizing elements, the Qur'an has also paid attention to details to guarantee the implementation of social order. In this context, we can point to factors such as: streamlining order and violence in society, prevention of social disorders, and implementation of social justice and application of jurisprudence laws in society

Keywords:

Holy Quran, EDUCATION,
MANAGEMENT, SOCIAL
ORDER, SUSTAINABILITY.

عوامل نقش‌آفرین در پایداری‌سازی نظم اجتماعی با رویکرد مدیریت و تربیت قرآنی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۸
از صفحه ۱۲۷ تا صفحه ۱۴۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین عوامل نقش‌آفرین در پایداری‌سازی نظم اجتماعی با رویکرد مدیریت و تربیت قرآنی است. پرسش اصلی این است که بر اساس مدیریت و تربیت قرآنی، چه عواملی می‌توانند در ایجاد و پایداری نظم اجتماعی نقش بیافرینند؟ محقق در این پژوهش، با توجه به رویکرد کیفی و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و استنباطی، به مطالعات کتابخانه‌ای می‌پردازد و با غور در آیات قرآن، تفاسیر و منابع تعلیم و تربیت، مؤلفه‌های نقش‌آفرین در این زمینه را استنباط می‌کند و به تحلیل چگونگی نقش‌آفرینی عوامل مربوطه در پایداری‌سازی نظم اجتماعی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانشمندان جهان غرب عمدتاً بر بقای نظم اجتماعی تأکید دارند و آن را با تداوم هنجارها و الگوهای تعاملی مرتبط می‌سازند. علی‌رغم توجه آنان به کلیات عناصر پایداری‌کننده، قرآن برای ضمانت اجرایی نظم اجتماعی، به جزئیات نیز توجه کرده است. در این زمینه می‌توان به عواملی مانند جریان‌سازی نظم و حدت در جامعه، پیشگیری از اختلالات اجتماعی، اجرای عدالت اجتماعی و کاربست قوانین فقهی در جامعه اشاره کرد.

سید محمد مهدی قاسمی تبار
استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه
فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده
مسئول).
gangine2110@yahoo.com

مهدی رضایی
استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه
فرهنگیان، تهران، ایران
mh.rezaei@cfu.ac.ir

واژگان کلیدی:

تعلیم و تربیت، مدیریت، نظم
اجتماعی، پایداری.

مقدمه

نظم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری زندگی بشر، از آغازین روزهای گسترش جوامع انسانی مورد توجه قرار گرفته و همواره به‌واسطه‌ی این عامل، با پیشرفت‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو بوده است؛ زیرا نظم عامل مهمی برای توسعه‌ی زندگی بشری به‌شمار می‌آید. پرواضح است که استفاده نکردن صحیح از این سرمایه‌ی انسانی و اجتماعی یا نادیده‌انگاری عامدانه‌ی آن، موانع بس سترگی را در مسیر زندگی فردی و اجتماعی او قرار داده است. از سوی دیگر، کاربست این نظم در زندگی فردی او را برای ایفای نقش در نظم اجتماعی آماده می‌سازد.

آفرینش عالم بر پایه‌ی یک نظم بنا شده و در دستگاه آفرینش، هر پدیده‌ای با هدف مشخصی پدیدار گردیده است و مأموریت ویژه‌ای را نیز بر عهده دارد. افزون بر آن، عالم تکوین هماهنگی و نظم ویژه‌ای دارد. شب و روز، فصل‌های سال، رویش و خزان گیاهان و بسیاری از عوامل طبیعی دیگر، همگی از نظم خاصی پیروی می‌کنند. خلقت اشیا اندازه، حد و میزان معینی دارد. خداوند متعال در قرآن کریم این‌گونه بیان می‌کند: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر: ۴۹)؛ «ما هر چیزی را به‌اندازه و روی حساب آفریدیم.» انسان نیز به‌عنوان برترین مخلوق مختار در نظام هستی، باید از این نظم تبعیت کند.

علی‌رغم گسترش ابزارهای ارتباط‌جمعی، پیشرفت علم و فناوری و توسعه‌ی فرهنگ در جوامع انسانی، همچنان شاهد آن هستیم که این جوامع از آشفتگی‌های نظم اجتماعی رنج می‌برند. این مسئله باعث شده است تا دانشمندان علوم اجتماعی برای حل این بحران، به پژوهش‌هایی در این زمینه روی آورند. پارسونز از جمله اندیشمندان است که در این زمینه قلم‌فرسایی کرده و به تبیین مسئله‌ی نظم اجتماعی، کارایی و آثار آن در جامعه پرداخته است؛ اما در این میان، قرآن کریم با بیان حدود مسائل اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، اقتصادی و سیاسی در اندیشه‌ی ایجاد و گسترش نظم اجتماعی در جوامع انسانی است تا سطح رضایت‌مندی جامعه از زندگی را ارتقا دهد و سلامت اجتماعی و روانی افراد را تأمین کند. به‌نظر می‌رسد، برای برون‌رفت از بحران نظم اجتماعی در جامعه و پایداری آن، پژوهش‌هایی در حوزه‌ی مدیریت و تربیت قرآنی در این‌باره صورت گیرد؛ بنابراین، محقق برای پاسخ به این چالش اجتماعی، به آیات قرآن کریم و علوم تخصصی تعلیم و تربیت مراجعه کرده است تا به استنباط عوامل نقش‌آفرین در پایداری نظم اجتماعی با رویکرد تربیتی و قرآنی بپردازد.

با عنایت به تلاش‌های گسترده‌ی مستشرقان در تضعیف یا انکار قرآن کریم، دانشمندان و مفسران اسلامی می‌بایست از ظرایف و هم‌بستگی گسترده‌ای که در آیات قرآن وجود دارد، بهره علمی ببرند و با استخراج و کاربست آن در حیات فردی و اجتماعی جامعه، وسعت رویکرد قرآنی و دین برای مدیریت و برقراری نظم اجتماعی را به نمایش بگذارند که به لحاظ نیاز روز جوامع بشری بسیار ضروری انگاشته می‌شود. دین اسلام و آموزه‌های قرآنی به سبب ماهیت الهی بودن آن، تنها مدعی بلامنازع در نظام تعلیم تربیتی است که با ترسیم یک نظم پدیدار اجتماعی می‌تواند

در خدمت پایدارسازی اجتماعی قرار گیرد. قرآن یک نظام پایدار اجتماعی است که آموزه‌های آن می‌تواند در خدمت نظام پایدار اجتماعی قرار گیرد. نظم اجتماعی یعنی وضعیتی اجتماعی حاصل به‌جا آوردن مجموعه‌ای از ضوابط و قوانین و سازوکارها و عرف‌های اجتماعی که باعث انسجام جامعه و هماهنگی میان کنشگران اجتماعی می‌شود.

درباره‌ی ضرورت انجام این پژوهش می‌توان گفت، با توجه به چالش‌های موجود در جوامع بشری به‌ویژه در حوزه‌ی نظم اجتماعی از سویی و ظرفیت‌های قرآنی در این زمینه از سوی دیگر، انجام چنین پژوهشی به‌منظور کاهش این بحران اجتماعی ضرورت می‌یابد؛ به‌عبارت‌دیگر، رنج بردن جوامع انسانی از آثار بی‌نظمی و آسیب‌های سلامت روانی آن، هماهنگی نداشتن پژوهش‌های غیربومی با مبانی فلسفی نظم اجتماعی در کشور ایران، نبود پژوهش‌های کافی با رویکرد قرآنی و تربیتی در حوزه‌ی نظم اجتماعی و ارتقای آن در جامعه‌ی انسانی، جامعیت قرآن در ارائه‌ی راهکارها درباره‌ی مسائل اجتماعی و تربیتی، رویکرد هدایتگری قرآن در توصیه‌های اجتماعی، علمی، فرهنگی و اقتصادی خود، ضرورت روی‌آوری به منابع اسلامی و دینی برای پژوهش و فرآوری کردن یافته‌های آن به‌منظور ارتقای سلامت اجتماعی، لزوم برقراری تعادل اجتماعی وفاق در جامعه‌ی انسانی، پیشگیری از هرگونه ستیز و تضاد در جامعه از طریق برقراری نظم اجتماعی و برقراری صلح و آرامش، وجود رابطه‌ی هم‌بستگی مثبت میان برقراری نظم اجتماعی و افزایش سطح رضایتمندی از زندگی، ناکارآمدی برخی آرای نظم نوین اجتماعی در برقراری نظم در جوامع و وجود ظرفیت‌های قرآنی درباره‌ی ارائه‌ی راهکارها برای حل بحران‌های اجتماعی تربیتی فرهنگی و سیاسی در جامعه‌ی اسلامی ازجمله عواملی هستند که ضرورت پژوهش در حوزه مدیریت و تربیت قرآنی و کاربست آن در کاهش بحران‌های اجتماعی ازجمله نظم اجتماعی را دوچندان می‌کنند؛ بنابراین، این پژوهش بر آن است تا به تبیین و تحلیل عوامل نقش‌آفرین در ایجاد و پایدارسازی نظم اجتماعی از دیدگاه مدیریت و تربیت قرآنی پردازد و نتایج آن را در اختیار متصدیان مربوطه برای کاربست در جامعه قرار دهد.

پیشینه‌ی پژوهش

زالی (۱۴۰۱) در مقاله‌ی خود با عنوان «لیبرالیسم و مبانی الهیاتی نظم اجتماعی»، با هدف بررسی مبانی الهیاتی نظم اجتماعی از دیدگاه سه فیلسوف اسمیت، کانت و رالز، به این نتیجه دست‌یافته است که برای پایدارسازی نظم اجتماعی، راهی جز ارتباط با الهیات و آموزه‌های دینی نیست. کانت برای تحقق این امر و خیر والا می‌گوید که ما نیازمند وجود خداوند هستیم و رالز این‌گونه بیان می‌دارد که تضمین عدالت در جهان اجتماعی و نظم اجتماعی با الهیات پیوند خورده است.

کچوییان (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «انقلابات؛ ظهور جمعی امر قدسی و تأمین نظم اجتماعی»، با هدف بررسی نقش انقلاب‌های کبیر در پیدایش نظم اجتماعی این‌گونه نتیجه

می‌گیرد که انقلاب‌ها رخداد دگرگون‌کننده و نظم بخش حیات اجتماعی هستند و از طریق تحلیل وضعیت و ماهیت انقلاب‌ها می‌توان به پرسش چگونگی شکل‌گیری نظم اجتماعی پاسخ داد. جهان‌بین (۱۳۹۸) در مقاله‌ی خود با عنوان «چستی هنجارها در ساحت نظم اجتماعی و نظم حقوقی»، به دنبال پوشش دادن به این هدف بوده است که هنجارها را در ساحت نظم اجتماعی و نظم حقوقی بررسی کند. محقق این‌گونه نتیجه می‌گیرد که هنجارها معیار عمل و مبنای شکل‌گیری نظم اجتماعی و نظم حقوقی هستند و اگر جامعه‌ای در اندیشه‌ی برقراری و پایداری سازی نظم اجتماعی در جامعه باشد، ناچار می‌بایست به هنجارها و قوانین اجتماعی جامعه احترام گذارد.

خیری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «حق‌الله و نظم اجتماعی در فقه شیعه»، به دنبال بررسی عناصر لازم برای برقراری نظم در جوامع است. وی این‌گونه نتیجه می‌گیرد که در برقراری نظم اجتماعی، عناصر مختلفی وجود دارند که هر یک به‌نوبه‌ی خود سهم و نقشی را ایفا می‌کنند. در این میان، رعایت حقوق الهی از دیدگاه فقهی، حداقل عنصر لازم در برقراری نظم اجتماعی در جوامع به‌شمار می‌آید.

سراج‌زاده (۱۳۸۷) در پژوهش خود با هدف بررسی کارکردهای دین در نظم اجتماعی و نقش آن در نظم جامعه به پژوهش پرداخته است. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که دین‌داری در کاهش بروز کج‌روی و برقراری نظم اجتماعی تأثیرگذار است؛ بنابراین، نوعی رابطه‌ی هم‌بستگی مثبت میان دین‌داری و آموزه‌های دین و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و در نتیجه، نظم اجتماعی برقرار است؛ بدین معنا که هر قدر سطح دین‌داری ارتقا یابد، نظم اجتماعی در اثر کاهش بروز کج‌روی، افزایش و ارتقا خواهد یافت.

متوسلی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با هدف بررسی نظریه‌ی نظم اجتماعی تالکوت پارسونز و تطابق آن با نظم در سیره‌ی مدیریتی پیامبر اکرم (ص)، به این نتیجه دست‌یافته است که با تمرکز عمده بر نظریه‌ی نظم اجتماعی ارائه‌شده‌ی تالکوت پارسونز، پس از مروری اجمالی بر سیره‌ی فردی و اجتماعی نبی اکرم و شرح احوالات مردم سرزمین عربستان، شیوه‌ی مدیریتی آن حضرت، همچنین میزان موفقیت ایشان را در بنیاد نهادن جامعه‌ای نوین با پیروی از عنصر نظم به آزمون بگذارند و میزان موفقیت پیام‌آور توحید با تلاش برای نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی و جایگزینی این ارزش‌ها با آنچه در گذشته میان مردم آن دیار مرسوم بوده است، موجب همسو شدن آرمان‌های تازه‌ی مسلمانان و در نتیجه، منجر به ایجاد نظم اجتماعی شده است.

یوسف‌زاده (۱۳۸۵) در پژوهشی با هدف بررسی زمینه‌ی نظم اجتماعی در آموزه‌های قرآنی، به این نتیجه دست یافته است که طرفداران مکتب «وفاق اجتماعی» وضعیت موجود را ناعادلانه تصور نمی‌کنند و خواهان براندازی آن به‌طور کلی و اساسی نیستند، بلکه تنها با تغییراتی جزئی،

به‌گونه‌ای که کلیت نظام حفظ شود، موافق‌اند؛ بنابراین، وفاق اجتماعی زمینه‌ساز تعادل اجتماعی و در پایان، بقای نظم اجتماعی است.

عبدالرشید موتن و شجاعیان (۱۳۸۰) در پژوهش خود به‌منظور دست‌یابی به این هدف و بررسی موضوع «امت، نظم اجتماعی و مردم»، این‌گونه می‌آورند: امت مبنای نظم اجتماعی است که گستره‌ی وسیعی به‌اندازه‌ی همه‌ی بشریت می‌تواند داشته باشد. شریعت بخش عظیمی از تلاش خود را به نظم اجتماعی اختصاص داده و بخش اندکی را متوجه مراسم عبادی و اخلاق فردی کرده است؛ همچنین در سنت اسلامی بر «امت» تأکید فراوان شده، به‌گونه‌ای که عضویت در «امت» شرط مسلمانی به‌شمار می‌رود. زندگی مسلمانان تنها هنگامی بااهمیت می‌شود که عضوی از این امت «به‌راستی متعالی» باشند و از این پس، برای رستگاری ایشان همین است که بسیار مهم است.

درباره‌ی وجه تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان گفت، موضوع نظم اجتماعی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی شریعت‌های الهی به‌ویژه شریعت اسلام است. موضوع نظم اجتماعی با تفکر غیردینی در جوامع غربی به‌صورت چشمگیری مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است و افراد سرشناسی نیز در این حوزه تئوری‌پردازی‌های فراوانی داشته‌اند. این نوع پژوهش‌ها موضوع نظم اجتماعی را عموماً در بستر تفکر مادی موردتوجه و بررسی قرار داده‌اند؛ اما به علت اینکه در برابر قرآن و شریعت اسلام کاستی‌های فراوانی دارند، نتوانسته‌اند بستر سعادت را که جوامع انسانی به دنبال آن هستند، فراهم آورد. این پژوهش در بستر دیدگاه الهی و قرآنی انجام شده و تلاش کرده است تا برخی عوامل نقش‌آفرین از آیات قرآن را معرفی کند که ضمانت اجرایی و پایدارکننده‌ی نظم اجتماعی دارند.

پرسش پژوهش

پرسش اصلی: بر اساس رویکرد مدیریت و تربیت قرآنی، چه عواملی می‌توانند در ایجاد و پایداری نظم اجتماعی نقش بیافرینند؟

پرسش‌های فرعی: الف: بر اساس رویکرد مدیریت قرآنی، چه عواملی می‌توانند در ایجاد و پایداری نظم اجتماعی نقش بیافرینند؟ ب. بر اساس رویکرد تربیت قرآنی، چه عواملی می‌توانند در ایجاد و پایداری نظم اجتماعی نقش بیافرینند؟

اهداف پژوهش

هدف اصلی: شناسایی و تحلیل عوامل نقش‌آفرین در ایجاد و پایداری نظم اجتماعی با رویکرد مدیریت و تربیت قرآنی.

اهداف فرعی: الف. شناسایی و تحلیل عوامل نقش‌آفرین در ایجاد و پایداری نظم اجتماعی با رویکرد مدیریت قرآنی؛ ب. شناسایی و تحلیل عوامل نقش‌آفرین در ایجاد و پایداری نظم اجتماعی با رویکرد تربیت قرآنی.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است؛ زیرا یافته‌های آن در بستر شکل‌گیری نظم اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی پیاده‌سازی خواهد شد. روش پژوهش، روش کیفی به گونه‌ی توصیفی-تحلیلی و استنباطی با به‌کارگیری روش کتابخانه‌ای و غور در منابع قرآنی و تربیتی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای است. جامعه‌ی آماری این پژوهش را همه‌ی اسناد چاپی همانند کتاب‌ها، دائره‌المعارف‌ها، کتب تفسیری و روایی (جامع التفسیر، جامع الاحادیث و...)، متون چاپی نمایه‌شده در بانک‌های اطلاعاتی، اینترنت و اینترنت تشکیل می‌دهد. در این پژوهش، ابتدا در منابع مرجع، درباره‌ی نظریه‌های نظم اجتماعی تبعی صورت گرفت و سپس با مراجعه به منابع کتب اسلامی در موضوع مربوطه و به‌کارگیری آیات قرآن و روایات معصومین^(ع)، برای رسیدن به اهداف مدنظر در پژوهش بهره‌برداری لازم انجام پذیرفت.

یافته‌های پژوهش

الف. جایگاه نظم اجتماعی در قرآن کریم

توجه به نظام اجتماعی و نظام فرهنگی از مهم‌ترین راهبردهای قرآن در ایجاد، حفظ و پایداری نظم اجتماعی است. قرآن در نظام اجتماعی و فرهنگی خود، به عنصر انسانی که مخاطب اصلی اوست، توجه جامع و مؤثر داشته است. عنصر انسانی در نظام اجتماعی به‌عنوان یک کنشگر فعال محسوب می‌شود و این کنشگر در قرآن به‌صورت مستقیم، از زوایای مختلفی در زندگی دنیوی و حتی زندگی ابدی و جاودانه اخروی، موردتوجه قرار گرفته است. در نظام اجتماعی قرآن، با کنشگری فعال عنصر انسانی با همه‌ی اجزا موجود در اجتماع، جامعه‌ی انسانی خود را با تکاپوی همیشه و روبه‌پیشرفت همراه کرده است؛ بنابراین، قرآن برای تقویت نظام اجتماعی به نظام فرهنگی و تعلیم و تربیت توجه ویژه دارد: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه: ۲)؛ «اوست آن کس که در میان بی‌سوادان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند»؛ و در آیه‌ی شریفه‌ی دیگری می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (آل‌عمران: ۱۶۴)؛ «به‌یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد. قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

لزوم تشکیل حکومت و اداره‌ی جامعه بر اساس قانون مدون از نظر هیچ متفکری پوشیده نیست و گروهی که سود خود را در هرچ‌ومرغ جستجو می‌کنند و از نظم قانونی حاکم بر اجتماع هراسناک‌اند و تأسیس نظام قانونمند را لازم نمی‌دانند، از زمره‌ی صاحب‌نظران خارج‌اند. هر حکومتی بر پایه‌ی مکتب خاص خویش، اهدافی را دنبال می‌کند که با اصول حاکم بر آن مکتب هماهنگ

باشد. حکومت اسلامی نیز اهدافی دارد که با اصول روشمند خویش مناسب باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۱-۱۵).

قرآن کریم نظم اجتماعی را نه تنها امری از درون نهاد انسانی و یا امری بیرونی و تحمیل شده از محیط به درون انسان و امری جبری می‌داند، بلکه به هر دو زوایای آن توجه کامل و بسیطی داشته است و این دو در کنار هم را ضامن ایجاد، حفظ و بقای نظم اجتماعی می‌داند.

در قرآن کریم و دین اسلام، نظم اجتماعی با مهندسی و یا یک راهبرد قوی، وسیع، جهان‌شمول و با مصادیق عینی فراوان، بدون نیاز به آزمایش و خطا برای حصول به نتیجه‌ی مطلوب و کاملاً مطابق با فطرت و نیاز بشری به صورت کامل عرضه شده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳)؛ «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به‌عنوان] آیینی برگزیدم»؛ و به‌اندازه‌ای از این نظم اجتماعی مطمئن است که در آیه‌ای اشاره می‌کند، اگر کسی غیر از اسلام دینی را برگزیند، از او پذیرفته نیست و او در آخرت از زیان‌کنندگان است: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۵)؛ «و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود. وی در آخرت از زیانکاران است.» هرکجا که مسلمانان به این نظام‌نامه‌ی الهی عمل کرده‌اند، موفقیت حاصل شده است و در صورت عمل نکردن به آن، در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی و... با مشکل روبه‌رو شده‌اند. اجرا نکردن این نظام‌نامه‌ی الهی، یعنی رو آوردن به قوانین بشری، به علت وجود نواقصی که به صورت کلی در این قبیل قوانین وجود دارد، جوامع بشری را همواره با مشکلات نوظهور مواجه می‌کند؛ اما با مراجعه به قرآن کریم، شاهد این نکته خواهیم بود که خداوند هر اجتماع انسانی را به واسطه‌ی رسولان اداره کرده است و در این راستا به همه‌ی جوانب زندگی بشر توجه داشته است؛ مانند مسائل مهم اقتصادی که یکی از نمادهای آن در اداره‌ی اجتماع انسانی در زمان حضرت یوسف^(ع) در قرآن به آن اشاره شده است. قرآن کریم با رویکرد مدیریت و با ارائه‌ی الگویی منسجم برای نظم اقتصادی از سوی پیامبران الهی، موجبات ایجاد یک نظم اجتماعی پایدار را فراهم می‌آورد؛ به‌عنوان نمونه، این رویکرد در قرآن با ماجرای حضرت یوسف^(ع) در دوران بحرانی و بروز قحطی در مصر معرفی شده است: «و قَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ اَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدِينَا مَكِينٌ» (یوسف: ۵۴)؛ «امین و پادشاه گفت: او را نزد من آورید تا وی را خاص خود کنم؛ پس چون با او سخن راند، گفت: تو امروز نزد ما با منزلت و امین هستی.» «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (همان: ۵۵)؛ «[یوسف] گفت: مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار که من نگهدارنده‌ی دانا هستم.» در این آیه، ما شاهد هستیم که پیامبر خدا، حضرت یوسف، برای ایجاد یک نظم اجتماعی پایدار بر پایه‌ی مدیریت الهی و آموزه‌های اخلاقی و تربیتی و حفظ سلامت و طهارت اقتصادی جامعه، از پادشاه زمانه می‌خواهد تا اداره‌ی اقتصادی جامعه را برای مدیریت بحران به‌وجود آمده به ایشان بسپارد. این درخواست در پی اطمینان به‌وجود آمده از سوی پادشاه وقت به یوسف نبی^(ع) در مدیریت صحیح اقتصادی سال‌های پر از التهاب پیش‌رو توسط ایشان به انجام

رسیده است و پس از گذر از سختی‌های اجتماعی مشخص گردید، مدیریت بر پایه‌ی مهندسی و دیدگاه الهی موجبات امنیت روانی و اجتماعی و اعتلای جامعه‌ی انسانی و در پایان، موجبات نظم اجتماعی و سعادت جامعه‌ی انسانی را فراهم می‌آورد.

علامه طباطبایی مطالب گسترده‌ای را در ذیل آیه‌ی دویست سوره‌ی آل‌عمران (یا ایها الذین ءامنوا اصبروا و صابروا و رابطو...) آورده است و انسان را موجودی اجتماعی می‌داند. این انسان متوجه منافع و مصالح اجتماعی خودش است و با راهنمایی پیامبران اختلافات را حل می‌کنند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَ مَا اختلفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أوتوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره: ۲۱۳). این آیه‌ی شریفه می‌فرماید: مردم در ابتدا امت واحد بودند. در بینشان اختلاف نبود؛ سپس اختلاف پیدا شد؛ ازاین‌رو، خداوند پیامبران را با کتاب فرستاد تا اختلافات را بردارند و با عمل به قوانین شرع، وحدت اجتماع را حفظ کنند؛ پس دین و دستوره‌ای آن با ارائه‌ی راهکارهای تعلیمی و تربیتی، محکم‌ترین ضامن حفظ نظم اجتماع انسانی است. بر مبنای راهنمایی‌های پیامبر، پایداری نظم اجتماعی تقویت می‌یافت. افزون بر آن، اسلام مهم‌ترین احکام و شرایع خود را از قبیل حج، جهاد، نماز، انفاق و خلاصه تقوای دینی را بر پایه‌ی اجتماع قرار داد و برای حفظ وحدت اجتماعی، هدف مشترکی را برای جامعه اعلام کرد که عبارت است از سعادت حقیقی و رسیدن به قرب و منزلت نزد خدا؛ بنابراین، قرآن با ارائه‌ی روش‌ها و راهکارهای دقیق، جامع و متناسب با شرایط جامعه به‌صورت قاطع و کامل اعلام می‌دارد، با مدیریت همه‌جانبه‌ی مبتنی بر اخلاق و تربیت الهی و اسلامی که کامل‌ترین نوع مدیریت جوامع اسلامی را شامل می‌شود، توانایی ایجاد، حفظ و پایداری نظم اجتماعی را دارد.

ب. عوامل مدیریتی مؤثر در پایداری نظم اجتماعی جریان‌سازی نظم در جامعه

در بسیاری از آیات با مضمون اجتماعی که در قرآن به آن‌ها اشاره شده است؛ مانند اقامه نماز، پرداخت زکات، خمس، قرض دادن، جهاد، حج، ولایت‌پذیری، کاسبی بدون کم کردن وزن مال، مکارم اخلاق و... (وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ و...)، نخست، آن‌ها به‌صورت جمع می‌آورد (وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) و دوم، به اجرای آن‌ها به‌صورت پیوسته و در طول شبانه‌روز و منظم امر می‌کند. این به‌راستی همان چیزی است که نظام تعلیم و تربیت به آن توجه دارد و مستمر بودن امر تعلیم و تربیتی در قرآن متوقف به دوره‌ی خاصی از زندگی بشر نیست. این قبیل دستوره‌های تربیتی- اجتماعی عاملی برای غفلت‌زدایی جمعی، همدلی و حضور جمعی اقشار جامعه به‌صورت پیوسته و شبانه‌روزی می‌شود و منشأ برکات فراوان دیگری است که همگی مدیریت جامعه را تسهیل و موجبات یک نظم اجتماعی گسترده، زیبا و پایداری را فراهم می‌سازد. این اجتماع منظم، خود‌گشایشگر مسائل و امور مردم خواهد بود و در

صورت بروز مشکل، جامعه‌ی انسانی قوی در رفع نیازهای یکدیگر اقدام می‌کنند. خداوند در قرآن با این آیه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» ﴿جمعه: ۲﴾؛ «اوست آن کس که در میان بی‌سوادان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.» (ویکی شیعه، دانشنامه‌ی مجازی مکتب اهل‌بیت، بی‌تا)، در پی آموزش و اجرای یک نظم اجتماعی پایدار و هماهنگ است و با برنامه‌ای بسیار دقیق و با توانایی اجرایی صددرصدی و در قالب حکومتی مقتدر، توانایی اداره‌ی همه‌ی نیازهای جامعه‌ی مسلمان و بلکه همه‌ی جوامع بشری را دارد.

قرآن به همه‌ی الگوهای تعاملی و هنجارهای اجتماعی برای حفظ نظم اجتماعی توجه جامع دارد و حصول نظم اجتماعی در هندسه و راهبرد قرآنی، مطابق با فطرت بشری است و در نتیجه، این نظم پایدار و جاودانه است. بسیاری از آیات قرآن که دارای رنگ و بوی سیاسی هستند و یا در مواردی که تصریح در امور سیاسی دارند، برآیند تعلیم و تربیتی برای رشد انسانیت را ارائه می‌دهند. دستاورد آیات قرآن نیز تعالی نظم اجتماعی است. قرآن سرآمد زندگی انسانی را به «حَيَاةً طَيِّبَةً» تعبیر می‌کند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» ﴿نحل: ۹۷﴾؛ «هر کس از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای زندگی [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.» نظام تعلیم و تربیت الهی است که به «حَيَاةً طَيِّبَةً» منجر می‌شود و این عامل اصلی در نظم اجتماعی است.

پیامبر اسلام همزمان که نظام سیاسی جامعه را هدایت می‌کردند، به امور اجتماعی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و عبادی و اخلاقی و تعلیم و تربیتی امت خود نیز رسیدگی می‌نمودند و پایه‌های مکارم اخلاق را بر پایه‌ی دین اسلام بنا می‌نهادند. همین مکارم اخلاقی بود که بسیاری از افراد با تفکر و اعتقاد غارتگری و جنگجویی ظالمانه‌ی جاهلی را به انسان‌های فداکار و شهادت‌طلب و ایثارگر تبدیل کرد و مصادیق این تعلیم و تربیت قرآنی را امروز در جامعه‌ی ایران اسلامی‌مان، به‌ویژه در هشت سال دفاع مقدس، به‌وفور شاهد بوده‌ایم و هستیم: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا» ﴿احزاب: ۲۳﴾؛ «از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا پیمان بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنان در [همین] انتظارند و [هرگز باور خود را] تبدیل نکردند.» قرآن کریم در مواجهه با کفار و مشرکان و منافقان و همه‌ی کسانی که به مخالفت با قرآن و اسلام حقه برخاسته‌اند، نیز در قالب همین نظم اجتماعی بر پایه‌ی سیاست و با دیدگاه الهی، جامعه‌ی اسلامی را به مقابله با آنان فرامی‌خواند و به پیروی از رهبر الهی دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرًا فَاصْبِرُوا إِنَّا جَاعِلٌ لِلْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» ﴿انفال: ۶۵﴾؛ «ای پیامبر! مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از [میان] شما بیست تن شکيبا باشند، بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از

شما یک‌صد تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند؛ زیرا آنان قومی‌اند که نمی‌فهمند. نتیجه‌ی این تبعیت پیروزی و حفظ و پایداری حکومت و اجتماع مقتدر اسلامی می‌شود.

مقابله با فتنه‌انگیزی در جامعه

فتنه‌انگیزی یکی از عوامل برهم‌زننده‌ی نظم جوامع انسانی است و در قرآن به این مسئله توجه جدی شده است. در بخشی از سوره‌ی بقره به موضوع فتنه‌گری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل برهم زدن نظم اجتماعی اشاره شده است و آن را برتر از قتل و کشتار معرفی می‌کند؛ بنابراین، برای مقابله با فتنه‌انگیزان، به برخورد قاطعانه با آنان حتی در مسجدالحرام امر می‌فرماید: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكِ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» [بقره: ۱۹۱]؛ «و آنان را [که از شرک و کفر و هیچ ستمی باز نمی‌ایستند] هرکجا یافتید، بکشید و از جایی که شما را بیرون کردند، بیرونشان کنید! و آشوب از کشتار بدتر است و کنار مسجدالحرام با آنان نجنگید، مگر آنکه در آنجا با شما بجنگند؛ پس اگر با شما وارد جنگ شدند، آنان را بکشید که کیفر کافران همین است.»

همچنین در این آیه نیز شاهد مقابله با فتنه‌گری در جامعه هستیم: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ مِثْلَ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» [همان: ۱۹۴]؛ «این ماه حرام در برابر آن ماه حرام است و [هتک] حرمت‌ها قصاص دارد؛ پس هرکس بر شما تعدی کرد، همان‌گونه که بر شما تعدی کرده است، بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقوایندگان است.»

مخالفت با رشوه و کسب مال حرام در جامعه

کسب نکردن مال حلال و تعدی کردن به اموال دیگران و گرفتن رشوه از مهم‌ترین عوامل مخرب نظم اجتماعی محسوب می‌شود و قرآن آن را از دیدگاه مدیریت و تربیت اسلامی نهی کرده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَ يَدَيْكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْنُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا قَرِيبًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» [همان: ۱۸۸]؛ «و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید و [به‌عنوان رشوه قسمتی از] آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، درحالی‌که خودتان [هم خوب] می‌دانید.» در تفسیر المیزان ذیل این آیه‌ی شریف آمده است: «اینکه حکم (مخورید مال خود را به باطل) را مقید کرد به قید (بینکم)، دلالت دارد بر اینکه مجموعه‌ی اموال دنیا متعلق است به مجموعه‌ی مردم دنیا؛ منتها خدای تعالی از راه وضع قوانین عادلانه اموال را میان افراد تقسیم کرده تا مالکیت آنان به‌حق تعدیل شود و در نتیجه، ریشه‌های فساد قطع گردد. قوانینی که تصرفات بیرون از آن قوانین هرچه باشد، باطل است» (فرهنگ، ۱۳۹۵، طباطبایی، ۱۳۹۸، ص ۳۴)

حفظ وحدت و نظم اجتماعی

«فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ» ﴿حج: ۷۸﴾؛ «پس نماز بخوانید و زکات بپردازید و به خدا تمسک جوئید، او سرپرست و یار شماست و خوب سرپرست و نیکو یاری دهنده‌ای است.» این آیه‌ی شریفه‌ی قرآن نیز در کنار فعالیت جمعی، به اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات، ولایت‌پذیری (تبعیت از ولایت الهی) و دوری از تفرق دستور می‌دهد. در صورت اجرای صحیح و به‌موقع همه‌ی این فرمان‌های الهی، ایجاد و حفظ و پایداری نظم اجتماعی از ضمانت اجرایی بالایی برخوردار خواهد بود.

در ابتدای سوره‌ی آل‌عمران، بازهم به تمسک به حبل‌الله و دوری از تفرق اشاره می‌کند که این نیز به‌عنوان یکی از عوامل مهم در نظم اجتماعی محسوب می‌شود. در انتهای همین آیه، تبیین آیات الله را مایه‌ی هدایت معرفی می‌فرماید. هنگامی که جامعه‌ای در راه هدایت قرار دارد، قطعاً در آن نظم اجتماعی برقرار است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» ﴿آل‌عمران: ۱۰۳﴾؛ «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت‌خدا را بر خود یاد کنید. آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید؛ پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او، برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این‌گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند. باشد که شما راه یابید.»

قرآن در آیه‌ای دیگر از سوره‌ی انعام، حکم را تنها از آن خداوند جهان معرفی می‌کند. از این آیه هم توحید را که نظم‌دهنده‌ی اجتماع مسلمین است، می‌توان به‌دست آورد: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ» ﴿انعام: ۵۷﴾؛ «فرمان و حکومت [نسبت به هر چیزی] تنها در اختیار خداست. همواره حق را [برای هدایت و رشد شما] بیان می‌کند و او بهترین جداکنندگان [حق از باطل] است.»

اجرای احکام قصاص و عدالت در جامعه

موضوع قصاص یکی از مسائل بسیار مهمی است که قرآن برای ایفای حقوق افراد و اجرای عدالت و نیز جلوگیری از هرج‌ومرج و درنهایت، برای برقراری نظم اجتماعی به آن توجه کرده است. این آیات هم به وجه حقوقی حفظ انتظام درون اجتماعی توجه نموده است و هم وجوه فرهنگی، ارزشی و تربیتی گسترده‌ی آن را مدنظر قرار داده است و نیز عامل بازدارنده‌ی قوی در پیشگیری از جرم و جنایات است. آیه‌ی ۱۷۸ سوره‌ی بقره به موضوع قصاص اشاره دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ أَلْيَسَ الْقَتْلُ بِالْحُرِّ وَالْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بِعَدْوٍ إِلَيْكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» ﴿بقره: ۱۷۸﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، درباره‌ی کشتگان بر شما [حق] قصاص مقرر شده است، آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن و هرکس که

از سوی برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول] چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود، [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند و با [رعایت] احسان [خون‌بها را] به او بپردازد. این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست؛ پس هر کس بعد از آن، از اندازه درگذرد، وی را عذابی دردناک است.»

اجرای احکام ارث در نظم اقتصادی جامعه

می‌توان گفت، موضوع ارث که در قرآن به آن توجه شده است، نظمی اقتصادی است که حتی زمان پس از مرگ فردی در جامعه‌ی برپاشده را مدنظر قرار داده است و برای پیشگیری از درماندگی اقتصادی خانواده و بازماندگان او هم برنامه‌ی مدونی ارائه کرده است. قرآن با این روش، عدالت اقتصادی را برای بازماندگان دلخواه قرار داده است. این روش در ترویج فرهنگ و اقتصاد سالم مؤثر واقع می‌شود و قرآن این موضوع را حقی برای پرهیزگاران بیان می‌کند: «كَيْفَ عَلَيكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خِيًّا رَا الْوَصِيَّةَ لِلْأُولَادِ الَّذِينَ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (همان: ۱۸۰)؛ «بر شما مقرر شده است که چون مرگ یکی از شما فرارسد، اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به‌طور پسندیده وصیت کند. [این کار] حقی است بر پرهیزگاران.»

توجه به اقتصاد سالم در جامعه

اقتصاد سالم به‌عنوان یک مبنا و ضرورت اجتماعی در قالب عقود اسلامی، به‌مثابه یکی از اضلاع تشکیل‌دهنده‌ی مبانی تربیتی قرآن در ایجاد و حفظ و پایداری نظم اجتماعی محسوب می‌شود؛ زیرا وجود یک اقتصاد سالم و پیشرو در هر اجتماعی، با ایجاد امنیت روانی در زندگی بشری، موجبات نظم اجتماعی را فراهم می‌آورد و از بروز بسیاری از مفاسد در جامعه پیشگیری می‌کند. برخی از آیات اقتصادی قرآن که در ایجاد و حفظ و پایداری نظم اجتماعی مؤثر هستند، بر این پایه‌اند: آیات مربوط به خمس، زکات، دیه، پرداخت حق یتیمان، پرداخت مهریه (در ازدواج همیشه و موقت)، عقود مختلف و... برای اینکه مشخص شود احکام قرآن برای حفظ و پایداری نظام اجتماعی تا چه اندازه به جزئیات نظام اقتصادی توجه دارد؛ به‌عنوان نمونه، تنها به چهار مورد از آیات قرآن کریم اشاره می‌شود:

الف. عقد مضاربه: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (همان: ۱۸۸)؛ «و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید و [به‌عنوان رشوه قسمتی از] آن را به قضاات دهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خودتان [هم خوب] می‌دانید.»

مضاربه عقدی است جایز که در فرایند آن، شخصی با عنوان ملاک، مبلغی را به دیگری که ضارب یا عامل نامیده می‌شود، تحویل می‌دهد تا با آن تجارت کند و سود حاصل را به نسبت سهام توافق، میان خود بخش نمایند (معاصری بناب، ۱۴۰۰، ص ۱). با این روش، سود حاصل از یک

فعالیت اقتصادی مورد توجه طرفین قرارداد است و با موضوع ربا که اسلام آن را حرام می‌داند و به‌راستی نوعی منفعت‌طلبی یک‌طرفه است، بسیار متفاوت است.
ب. عقد جعاله: «و كَمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ» (یوسف: ۷۲).

جعاله بر اساس ماده‌ی ۵۶۱ ق.م.ا عبارت است از التزام شخصی به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف (عامل) معین باشد یا نباشد؛ بنابراین، فقهای امامیه ماهیت جعاله را با ادله‌ی قرآن، روایات، اجماع و عقل اثبات کرده‌اند (کافیان، ۱۳۹۶، ص ۱).

ج. خمس: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقْيِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال: ۴۱)؛ «و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک‌پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده‌ی خود در روز جدایی [حق از باطل]، روزی که آن دو گروه باهم روبه‌رو شدند، نازل کردیم، ایمان آورده‌اید و خدا بر هر چیزی تواناست.»

د. پرداخت مهریه در ازدواج: «وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنْ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (نساء: ۴)؛ «و مهر زنان را به‌عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید.» این بیان حق روشن و شخصی را برای زن در مهریه‌اش ایجاد کرد و با اعلام اینکه آنچه در جامعه‌ی جاهلی نسبت به آن رواج داشت، باطل است، ازدواج را اجتماع دو تن از روی میل و اختیار خواند و «مهریه» را حق خود زن دانست که تنها خودش باید آن را بگیرد، نه ولی او (سید قطب، ۱۹۹۵، ص ۵۸۵).

«فَأَنكحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَ أَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۲۵)؛ «آنان را با اجازه‌ی صاحبان آنان تزویج کنید و مهرشان را به خودشان بدهید.» اینکه خداوند مهریه را بر مرد واجب کرده و زن را موظف به پرداخت چیزی نکرده است، از دیدگاه برخی از مفسران بدین معناست که به‌راستی، مهریه عطیه‌ای از سوی خداوند متعال برای زنان است (شیخ طوسی، بی‌تا، ص ۱۲۴). اگر از دیدگاه تاریخی هم به مسئله نظر افکنده شود، معلوم می‌گردد که پرداخت مهر، علی‌رغم تحولات و تغییرات چشمگیر، یک سنت پایدار اجتماعی است که از گذشته‌های دور تا امروز در جوامع بشری رایج است (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تأملی بر چیستی مهریه، حوراء، ۱۳).

با مباحث گسترده و متنوعی که در اسلام پیرامون مهریه مطرح شده است، در واقع، برای زن جایگاه ویژه‌ای دیده شده و کرامت انسانی در زنها مورد توجه قرار گرفته است. از سویی، با این اهرم موجبات تحکیم و قوام خانواده را فراهم می‌آورد. در صورت جدایی زوج از هم، برای زنها که معمولاً بدون سرپرست و از لحاظ مالی در تنگنا قرار می‌گیرند، پشتوانه‌ای را فراهم می‌آورد.

رفاه و نظم اجتماعی

از جمله مؤلفه‌های ایجاد و پایداری نظم اجتماعی را می‌توان برخورداری افراد جامعه از سطح قابل قبولی از رفاه مالی و اقتصادی دانست. بی‌شک رفاه مالی و اقتصادی در بستر بهره‌مندی

از امکانات دنیایی و پیدایش امنیت روانی به شکل‌گیری رفتارهای سالم در افراد جامعه منتهی می‌گردد. چنین رفتارهای بهنجاری می‌تواند از هر نوع رفتارهای ناهنجار اجتماعی ممانعت کند که در ادامه، شاهد پیدایش نظم و هماهنگی در سطح جامعه خواهیم بود.

قرآن کریم در آیات مختلف با توصیه به کمک به بینویان از طریق پرداختن خمس و زکات، سالم زیستن و دوری از حرام‌های مالی و انفاق در راه خداوند، در اندیشه‌ی آن بوده است که رفاه اجتماعی را در جامعه ایجاد کند و با هرگونه فقر و تنگدستی مبارزه نماید تا نظم اجتماعی را به ارمغان آورد. خداوند در این باره در سوره‌ی قریش آیه‌ی ۴ می‌فرماید: «الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف»؛ «خدایی که به هنگام گرسنگی به آنان طعام داد و از ترس و خطرانشان ایمن ساخت.» بر اساس این آیه، به این نکته رهنمون خواهیم شد که امنیت و آرامش در بستر تأمین نیازهای اقتصادی و پایه‌ی زیستی محقق می‌شود. روشن است که در این صورت، امنیت اجتماعی مولد نظم اجتماعی آن‌هم در بستر فضیلت‌گرایی انسانی و اخلاقی افراد در جامعه خواهد بود؛ همچنین خداوند در سوره‌ی نحل آیه‌ی ۱۱۲، به روایت یک حکایت از شهری می‌پردازد که امنیت کامل در آن حکم‌فرما بود و امن و آسایش و روزی فراوان در اختیار آنان قرار گرفته بود. خداوند در این آیه، امنیت کامل را در دو مؤلفه‌ی امنیت و آرامش و آسایش و روزی فراوان در زندگی معنا می‌کند. روشن است که بدون روزی و رفاه اقتصادی، امنیت اجتماعی و به دنبال آن، نظم اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود.

عوامل تربیتی مؤثر در پایداری نظم اجتماعی

افزون بر عوامل نقش‌آفرین در نظم اجتماعی از دیدگاه مدیریت قرآنی می‌توان به عوامل تأثیرگذار دیگری در پایداری نظم اجتماعی با رویکرد تربیت قرآنی نیز اشاره کرد که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

ترویج خوش‌گفتاری در جامعه

نظم اجتماعی در بستر التزام عملی به قوانین اجتماعی و عرفی آن و شکل‌گیری نوعی انسجام و هماهنگی میان کنشگران اجتماعی حاصل می‌گردد. بدیهی است که پابندی همگانی افراد جامعه در احترام به قوانین اخلاقی و اجتماعی به نوعی از هماهنگی میان فعالان عرصه اجتماعی منجر می‌شود که این خود، نظم اجتماعی را به‌عنوان یک وضعیت مطلوب به ارمغان می‌آورد.

ازجمله مصادیق نظم اجتماعی را می‌توان در گفتار نیک و یا خوش‌گفتاری در تعاملات اجتماعی انسان‌ها دانست؛ زیرا گفتار نیک به شکل‌گیری روابط حسنه میان افراد جامعه منجر خواهد شد که این، خود نظمی را میان روابط اجتماعی افراد حاکم می‌کند. روشن است که نتیجه‌ی این نظم اجتماعی به سلامت روانی افراد و سلامت اجتماعی آنان می‌انجامد. قرآن کریم در سوره‌ی بقره آیه‌ی ۸۳ می‌فرماید: «وَقَوْلُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»؛ «و با مردم به زبان خوش سخن بگویید.» خداوند با امر به نیک‌گفتاری در کلام، به دنبال برقراری نوعی نظم اجتماعی در جامعه به‌دور

از هرگونه پرخاشگری و وجود آرامش تأکید دارد؛ زیرا کلام و گفتار انسان‌ها به شدت در یکدیگر تأثیرگذار است و می‌تواند آرامش و سلامت روان و همچنین پرخاشگری و ناآرامی روانی را برای فرد و جامعه به ارمغان آورد؛ بنابراین، شکل‌گیری روابط حسنه در بستر گفتار نیک افراد می‌تواند ارمغان‌آورنده‌ی نظم اجتماعی در جامعه باشد که به دنبال آن، شاهد سلامت روان افراد و جامعه و نوعی سایه‌افکنی آرامش در آن خواهیم بود.

گسترش احسان و نیکی در جامعه

احسان و نیکوکاری به‌عنوان آموزه‌ای وحیانی و مفهوم پردامنه‌ی قرآنی ازجمله کلیدواژه‌های مهم در آموزه‌های دین اسلام به‌شمار می‌آید. مقوله‌ی احسان و نیکوکاری در جامعه با بی‌عدالتی و کاهش فاصله‌ی طبقاتی به مبارزه برمی‌خیزد و با برقراری تعادل اجتماعی، حفظ کرامت انسانی و حل مشکلات اقتصادی مانع تزلزل‌یافتگی بنیان‌های جامعه می‌شود؛ همچنین خداوند این ویژگی را از شاخص‌های اصلی اهل ایمان در جامعه برشمرده است. روشن است که مقوله‌ی احسان درون خود باعث ایجاد محبت و الفت مادی و معنوی در جوامع انسانی می‌گردد. این رویکرد و گسترش آن در جامعه نویدبخش شکل‌گیری ارتباطات صحیح جمعی است که به نظم اجتماعی و پایدارسازی آن می‌انجامد.

آیات متعددی از قرآن کریم (همچون سوره‌ی آل‌عمران: ۱۳۳ و ۱۳۴؛ کهف: ۳۰؛ یوسف: ۳۰؛ زمر: ۳۳ و ۳۴؛ نساء: ۶۳ و ۷۳) به این امر اشاره دارند؛ اما از باب نمونه به آیه‌ی زیر اشاره می‌کنیم. خداوند در سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۷۷ این‌گونه می‌فرماید: «وَأَتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ...» خداوند در این آیه، با دستور به احسان به افرادی که شایسته‌ی احسان هستند، ما را به اجرای عدل و احسان (مواسات و مساوات) در جامعه دعوت می‌کند تا تمایز معیشتی و فاصله‌ی طبقاتی در جامعه کاهش یابد. روشن است که این آثار اجتماعی احسان می‌تواند به ایجاد و پایدارسازی نظم اجتماعی در بستر سلامت اقتصادی و روانی منجر شود.

گسترش فرهنگ امانت‌داری در جامعه

می‌توان از دو زاویه‌ی دینی و اجتماعی به امانت‌داری و وفاداری نگریست: اینکه امانت‌داری و وفای به پیمان به‌عنوان یک فعل اخلاقی و صفت درونی به‌شمار می‌آید، در حوزه‌ی علم اخلاق جای می‌گیرد و جنبه‌ی دینی دارد؛ اما ازاین‌رو که امانت‌داری با ایجاد اعتماد و تقویت اعتماد اجتماعی به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی قلمداد می‌شود و تعامل درست میان فرد را به دنبال دارد و به دنبال آن، نظم اجتماعی را رقم می‌زند، جنبه‌ی اجتماعی به خود می‌گیرد. خداوند در سوره‌ی نسا آیه‌ی ۵۷ این‌گونه می‌فرماید: خداوند شما به شما فرمان می‌دهد که امانات را به اهل آن بازگردانید. وقتی به ارجاع امانت به صاحبان آنان در جامعه امر می‌کند، روشن است امر به موضوعی با فعل امر نشان‌دهنده‌ی حکم و جوب آن در جامعه است؛ ازاین‌رو،

ارجاع امانت حکم و جوب شرعی می‌یابد؛ همچنین آیات ۷۵ و ۷۶ سوره‌ی آل‌عمران و یک تا هشت سوره‌ی مؤمنین یکی از ویژگی‌های مهم اهل ایمان را خیانت نکردن به امانت می‌شمارد که به‌عنوان یک ویژگی اخلاقی و فضیلت انسانی محسوب می‌گردد.

در تحلیل موضوع می‌توان گفت، امانت‌داری و وفای به عهد و پیمان در جامعه به ایجاد حس اعتماد در روابط میان فردی منجر می‌شود و اعتماد به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی تلقی می‌گردد. این اعتماد اجتماعی با افزایش احساس امنیت و آرامش، سلامت اجتماعی، جلب اعتماد عمومی، تقویت روابط میان‌فردی و میان‌گروهی و احساس همدلی و همدردی به نظم اجتماعی می‌انجامد. افزون بر آن می‌توان با گسترش درست این فرهنگ دینی، شاهد پایداری نظم اجتماعی در سطح بالاتر آن بود.

امربه‌معروف و نهی از منکر در جامعه

دین اسلام به‌منظور هدایت بشر و نیل آن به کمال حقیقی، بخشی از آموزه‌های دینی را در بستر بایدوبنابیده‌های اخلاقی بیان می‌کند. صدور چنین بایدوبنابیده‌هایی با الفاظ امری در قرآن کریم دلالت بر وجوب انجام آن‌ها دارد. امربه‌معروف و نهی از منکر در جامعه که نمونه‌ای از بایدوبنابیده‌های الهی است، خود، از عالی‌ترین واجبات دینی به‌شمار می‌آید و به‌منظور پایداری اجتماعی و برپایی دستوره‌های الهی و ایجاد شور و نشاط اجتماعی ضرورت می‌یابد. به‌راستی ارزش‌های اجتماعی به‌طور عام و فریضه‌ی امربه‌معروف و نهی از منکر به‌گونه‌ی خاص می‌تواند باعث رشد و بالندگی اجتماعی شود. از سوی دیگر، نباید از آسیب‌های جدی انجام نکردن این فریضه در جامعه غافل ماند که خود بحران اجتماعی ایجاد می‌کند؛ ازاین‌رو، خداوند در قرآن کریم، گروهی را برای ادای این وظیفه تعیین و بر آنان واجب می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امربه‌معروف و نهی از منکر کنند! و آنان همان رستگاران‌اند».

خداوند در اجرای مقوله‌ی امربه‌معروف و نهی واقعی از منکر، با دعوت افراد جامعه به گرایش به زیبایی‌ها و بازداشتن آنان از سوق به زشتی‌ها، در اندیشه‌ی گسترش و تعمیق فرهنگ حفظ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در جامعه بوده است. روشن است که پایبندی به ارزش‌ها و هنجارها و قوانین اجتماعی نوعی نظم اجتماعی را در میان جامعه ایجاد می‌کند؛ بنابراین، امربه‌معروف و نهی از منکر با هدایت افراد در راه درست زندگی و با اصلاح رفتارهای اجتماعی و برقراری امنیت، ارمغان‌آورنده‌ی ایجاد گسترش و پایداری نظم اجتماعی در جوامع بشری محسوب می‌گردد.

تعهد به عهد و پیمان‌های اجتماعی

اهمیت عهد و پیمان و تعهدات اجتماعی، از دیرباز و در درازای تاریخ زندگی اجتماعی بشر، میان گروه‌های اجتماعی و قبایل مختلف ازجمله دغدغه‌های افراد جامعه بوده است. امروز نیز شاهد

آن هستیم که این امر به صورت گسترده و آن هم به سبب ارتباطات میان فردی فراگیر شده است و از شرایط ضروری زندگی اجتماعی، تحقق و بقای همکاری اجتماعی به شمار می آید؛ اما احترام و التزام عملی به عهد و پیمان مسئله‌ای اجتماعی است که شاید بسیاری از افراد از پایبند نبودن به آن رنج می‌برند. افزون بر آن، با ایجاد بی‌اعتمادی و اختلال امنیت روانی، دستگاه اجتماعی را مختل می‌کند که قاعدتاً نظم اجتماعی جامعه را تهدید می‌نماید و به قهقرا می‌کشد.

خداوند در سوره‌ی رعد آیه‌ی ۲۵ این‌گونه بیان می‌کند: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ «کسانی که عهد خدا را پس از محکم بستن می‌شکنند و رشته‌ای را که خدا امر به پیوند آن کرده است، می‌گسلند و در میان اهل زمین فساد می‌کنند، ایشان به حقیقت زیانکارند». خداوند به روشنی در این آیه، پیمان‌شکنان و اختلال‌گران اجتماعی را مورد لعن و نفرین خود قرار می‌دهد و با این مواجهه‌ی قاطعانه، این امر را مذموم می‌داند و نقطه‌ی مقابل آن را لازمه‌ی زندگی و بقای جوامع انسانی برمی‌شمارد تا از هر نوع هرج‌ومرج و بی‌نظمی جلوگیری نماید؛ از این‌رو، تعهد به پیمان‌ها نوعی اعتماد را در روابط میان فردی در جامعه ایجاد می‌کند که انسان‌ها با تکیه بر یکدیگر و سازمان‌های اجتماعی به آرامش روانی می‌رسند و با گسترش و حاکمیت این فرهنگ، نظم اجتماعی در دستگاه اجتماعی نمایان می‌شود.

پیروی از نیکوترین سخنان

تعاملات و روابط میان فردی در جامعه، تابع قوانین و مقررات ارتباط جمعی است. این تعامل و ارتباط جمعی در قالب ارتباطات گفتاری، شنیداری و دیداری خود را نمایان می‌کند. در این میان، یکی از قوانین و مهارت‌های مهم ارتباطات شنیداری و شنیدن درست و دقیق گفته‌ها در ارتباطات میان فردی و پذیرش انتقادمدارانه و گزینش نیکوترین سخنان در تعاملات شنیداری است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸)؛ «آن بندگان که سخن بشنوند و به نیکوتر آن عمل کنند، آنان هستند که خدا آنان را (به لطف خاص خود) هدایت کرده است و هم آنان به حقیقت خردمندان عالم‌اند.» بر پایه‌ی این آیه، خداوند افرادی را که به گزینش نیکوترین سخنان از همه‌ی شنیده‌ها اقدام می‌کنند، در راه هدایت خود قرار می‌دهد و از جمله‌ی خردمندان و فرهیختگان اجتماعی می‌داند. پرواضح است که گزینش واقع‌بینانه، انتقادمحور و عقلانی گفته‌ها در جامعه نوعی پیروی از قوانین تعاملات اجتماعی سخن‌محور است. این پیروی در درون خود از هر نوع هرج‌ومرج گفتاری و عملکرد در جامعه پیشگیری می‌کند. این نوع پیشگیری پیروی از سخنان بیهوده و بی‌مبنا، نظم شنیداری و گفتاری و به تبع آن، نوعی هم‌بستگی اجتماعی را به ارمغان می‌آورد که محصول آن می‌تواند نظم اجتماعی پایدار باشد؛ بنابراین، یکی از ابعاد نظم اجتماعی برای پیروی از قوانین ارتباط جمعی در تعاملات شنیداری، گفتاری و دیداری و برون‌رفت از بحران‌های موجود در این زمینه، انتخاب درست در گفته‌ها و شنیده‌ها است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین عوامل نقش‌آفرین در ایجاد و پایداری نظم اجتماعی با رویکرد مدیریت و تربیت قرآنی انجام شد. به‌طورکلی، باید گفت که بیشتر تحقیقات انجام‌شده در حوزه نظم اجتماعی این موضوع را از زوایای مختلف بررسی کرده‌اند و مؤلفه‌های مختلفی را از زبان علم و دین و آموزه‌های قرآنی برای برقراری نظم اجتماعی در جامعه ارائه نموده‌اند و هر یک به‌طور غیرمستقیم و کلی، به معرفی این موضوع در جامعه پرداخته‌اند؛ اما اینکه به‌راستی چه عوامل مشخصی می‌توانند در ایجاد و پایداری نظم اجتماعی تأثیرگذار باشند و البته احصای این عوامل نیز بر پایه‌ی رویکرد مدیریت قرآنی و تربیت قرآنی باشد، به‌طور واضح پاسخ داده نشده است و همچنان این مسئله خود را به‌خوبی نشان می‌دهد. با توجه به حاکمیت نظام اسلامی در کشور ما، ایران و لزوم بهره‌جویی از مدیریت و تربیت قرآنی در برقراری و پایداری نظم اجتماعی به‌عنوان مسئله‌ی روز در جامعه و خلأ و ناکافی بودن پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، ضرورت اقتضا می‌کرد تا پژوهشی مستقل به‌منظور استخراج و تبیین مؤلفه‌ها و عوامل نقش‌آفرین در پایداری نظم اجتماعی از دیدگاه مدیریت و تربیت قرآنی صورت گیرد تا نتایج آن به‌صورت عملی در جامعه به‌کار گرفته شود. یافته‌های حاصل از مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای نشان داد که در بخش مدیریت قرآنی می‌توان به عواملی مانند جریان‌سازی نظم در جامع، مقابله با فتنه‌انگیزی، مخالفت با رشوه و کسب مال حرام، حفظ وحدت، اجرای احکام قصاص و عدالت و احکام ارث و توجه به اقتصاد سالم اشاره کرد؛ اما در بخش تربیت قرآنی می‌توان به عوامل ذیل برای ایجاد و پایداری نظم اجتماعی اشاره کرد: ترویج فرهنگ خوش‌گفتاری، گسترش احسان و نیکی در جامعه، گسترش فرهنگ امانت‌داری، امر به معروف و نهی از منکر، تعهد به پیمان‌های اجتماعی و پیروی از نیکوترین سخنان.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حفظ و پایداری نظم اجتماعی از مهم‌ترین راهبردهای قرآن کریم در تحکیم بنیان‌های اجتماعی است. از دیدگاه قرآن کریم، جامعه و نظم اجتماعی حاکم بر آن بستری برای رشد و سعادت بشری به‌شمار می‌آید و بر اساس این، آیات مختلفی را در قالب تعلیم و تربیت و مسائل اخلاقی، فلسفه‌ی پیامبران، بیان قوانین حقوقی و مسئولیت‌های اجتماعی، حقوق اجتماعی و... بیان می‌کند تا با ایجاد نظم اجتماعی، بستر سعادت بشری را فراهم سازد.

منابع

- قرآن کریم.
- جوادی آملی، عبدالله؛ «فلسفه و اهداف حکومت اسلامی»؛ فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۶، شماره ۳، ۱۳۹۳ ش.
- جانی‌پور، محمد؛ لطفی، سید مهدی؛ «نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی»؛ تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، شماره ۲، ۱۳۹۴ ش.
- جهان‌بین، سید عبدالله؛ «چیستی هنجارها در ساحت نظم اجتماعی و نظم حقوقی»؛ دوره ۴۹، شماره ۳، ۱۳۹۸ ش.
- خیری، حسن؛ «حق‌الله؛ پایه‌ی نظم اجتماعی در فقه شیعه»؛ دوره ۱۱، شماره ۴۲، ۱۳۹۲ ش.
- زالی، مصطفی؛ «لبرالیسم و مبانی الهیاتی نظم اجتماعی»؛ پژوهش‌نامه فلسفه دین، دوره ۲۰، ۱۴۰۱ ش.
- ساجدی، سید داوود؛ ضرورت و فرایند ساخت نظام اقتصاد اسلامی بر اساس رهنمودهای امام‌خمينی^(ع) ولایت‌فقيه؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی^(ع)، ۱۳۹۸ ش.
- سراج‌زاده، سید حسین؛ «دین و نظم اجتماعی»؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه خوارزمی)، دوره ۱۶، ۱۳۸۷ ش.
- سید قطب؛ فی ظلال القرآن؛ لبنان: دار الشروق، ۱۹۹۵ م.
- صالحی، سید عباس؛ «تربیت‌اندیشی قرآنی»؛ ویژه‌نامه قرآن و فلسفه تربیت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۵۹ و ۶۰، ۱۳۸۸ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان؛ ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸ ش.
- طوسی، محمدبن حسن؛ التبیان؛ النجف: المکتب الامین، بی‌تا.
- پرتال جامع علوم اسلامی؛ تاملی بر چیستی و چرایی مهریه؛ حوراء ۱۳.
- عبدالرشید، موتن؛ شجاعیان، محمد؛ «امت؛ نظم اجتماعی و مردم»؛ کتاب نقد پاییز و زمستان، شماره ۲۰ و ۲۱، ۱۳۸۰ ش.
- علاء‌الدین، سید محمدرضا؛ «آشنایی با آیات اقتصادی قرآن کریم»؛ فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۳۸، ۱۳۹۷ ش.
- فراهانی‌فرد، سعید؛ «اندیشه اقتصادی استاد مطهری»؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۳۰ و ۳۱، ۱۳۸۳ ش.
- فرهنگ، سید کاظم؛ «ماهیت حقوقی فسخ عقد جعاله در فقه امامیه و قانون مدنی ایران و فرانسه»؛ تالار گفتگوهای قرآن پویان، ۱۳۹۵ ش.
- فصیحی، امان‌الله و همکاران؛ نظم و انضباط اجتماعی در اسلام و شاخص‌های آن؛ مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری؛ پژوهشکده قدر، ۱۳۹۲ ش.
- فیض‌الاسلام اصفهانی، علینقی؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۵ ش.
- قائمی‌نیک، محمدرضا؛ «نظم اجتماعی در آراء ابن‌خلدون»؛ معرفت فرهنگی و اجتماعی، سال ۷،

شماره‌ی ۲۶، پیاپی ۱۳۹۵، ش.

- کشاورز و همکاران؛ «حکمت اسراء»؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره‌ی ۱۲، ۱۳۹۱ ش.
- کچوییان، حسین؛ «انقلابات؛ ظهور جمعی امر قدسی در تأسیس نظم اجتماعی»؛ مطالعات فرهنگ-ارتباطات، دوره‌ی ۲۳، شماره‌ی ۶۰، ۱۴۰۱ ش.
- مکارم‌شیرازی، ناصر؛ مجله مکتب اسلام، سال ۲۲، شماره‌ی ۱۲، ۱۳۶۱ ش.
- معاصری بناب، امیر؛ «بررسی آرای مختلف در باب عقد مضاربه از دیدگاه مذاهب فقهی»؛ حقوق و پژوهش‌های دینی، ۱۴۰۰ ش. - افیان، ۱۳۹۶)
- یوسف‌زاده، حسن؛ «نظم اجتماعی در اسلام»؛ معرفت، شماره‌ی ۱۰۳، ۱۳۸۵ ش.

